**اثری یگانه از استادان سه گانه**

**نويسنده : پرهام، سیروس**

مرقع نى‏نامه جامى. به‏خط میرعلى هروى (در سال 940 هجرى). جلدآرائى: على‏اشرف، زرنگار: محمّدهادى (در سال 1153 هجرى). با مقدمه و تصحیح دکتر مظفر بختیار. چاپ عکسى از روى نسخه اصلى (محفوظ در کتابخانه مرکزى دانشگاه تهران). تهران 1380. مرکز نشر دانشگاهى (مجموعه خطى شماره 5). 86 ص + پنج ص.

عشق جز نائى و ما جز نى نئیم او دمى بى‏ما و ما بى وى نئیم نى‏نامه رساله‏اى است مشهور از مولانا عبدالرحمن جامى در شرح و تأویل دو بیت سرآغاز مثنوى معنوى (بشنو از نى ...) که در اواخر سده نهم هجرى به نظم و نثر مدون گشته است. از میان نسخه‏هاى خطى به نسبت پرشمار نى‏نامه که به زمان ما رسیده (که از آن جمله است نسخه‏اى که در اواخر سده دهم هجرى در چین کتابت شده و نسخه اواخر سده نهم محفوظ در کتابخانه ایاصوفیاى استانبول که به نظر خود جامى هم رسیده است) هیچیک نفاست و آراستگى هنرى مرقع حاضر را ندارد.

مرقع نى‏نامه اثرى است یگانه و بى‏همتا که در سال 940 ه .ق. به شیوایى تمام بر دست خوشنویس بسیار مشهور میرعلى هروى کتابت شده و دو سده بعد با تذهیب و زرنگارى بغایت استادانه و چشم‏نواز محمّدهادى مذّهب و جلدآرایى روغنى (زیر لاکى) بسیار زیباى على‏اشرف، نقاش نامدار «گل و بلبل»، مرقع‏بندى و تجلید شده است. کمتر کتابى بخت آن داشته که از نعمت همکارى بزرگترین هنرمندان زمان برخوردار شود. میرعلى هروى نامدارترین و از جهاتى تواناترین نستعلیق‏نویس پیش از میرعماد است که تا زمان درگذشت سلطان حسین بایقرا، امیر ادیب و هنرشناس تیمورى، ندیم و ملازم او بوده و عنوان «کاتب السلطانى» یافته و آثار گرانقدرى چون هفت‏اورنگ جامى (محفوظ در کتابخانه کاخ گلستان) به خط اوست.(1)

على‏اشرف افشار آخرین استاد بزرگ نگارگران عصر صفوى و مهمترین نقاش عصر افشاریان، یکى از برجسته‏ترین استادان قلمدان‏نگار و جلدنگار است که به گواهى سجعِ «زبعد محمّدعلى اشرف است» شاگرد محمّدزمان اول یا به احتمالى شاگرد محمّدعلى پسر محمّدزمان و استاد استادانى چون آقاصادق اصفهانى و محمّدباقر اصفهانى بوده است. محمّدهادى مشهور به شیخ رمزى نیز شاگرد و برکشیده على‏اشرف بوده «هادى از لطف على اشرف شد») و استاد مسلم هنر زرنشان در نیمه‏هاى سده دوازدهم هجرى بوده است. وى خصوصا در به‏کارگرفتن رنگهاى تابناک توانا و قوى‏دست بوده و علاوه بر مرقع نى‏نامه دو مرقع فاخر دیگر از همکارى او و على اشرف برجاى مانده است (مرقع مشهور به مرقع سن‏پترزبورگ که از ممتازترین و شیواترین شاخصهاى هنر کتاب‏آرایى به شمار مى‏رود و آن نیز چون مرقع نى‏نامه به دستور میرزا مهدى‏خان منشى استرآبادى فراهم آمده و دیگر مرقع تحفة‏الملوک کتابخانه کاخ گلستان).

اهمیت دیگر مرقع نى‏نامه، که در کتابخانه مرکزى دانشگاه تهران محفوظ مانده، تعلق آن است به کتابخانه میرزامهدى‏خان استرآبادى وزیر و تاریخ‏نگار نادرشاه که خود کتاب‏شناس و هنرشناسى بزرگ بوده است.(2)

**چاپ عکسى**

ارزش و اعتبار نهایى کتابهاى مصور بستگى تمام دارد به کیفیت چاپ، که اگر به کمال نباشد مایه دریغ است و حرام‏شدن بخش بزرگ تلاش و زحمت نویسنده و ویراستار و مصحح و سرمایه ناشر. جاى خوشوقتى است که چاپ رنگى رقعه‏هاى زرنگار بیست‏گانه و دولوحه نقاشى لاکى جلد مرقع نى‏نامه، بر کاغذ ضخیم بسیار ممتاز نخودى‏رنگ، در کمال خوبى و زیبایى سامان یافته و از همه حیث اداى دینى است بسزا به این اثر هنرى گرانمایه و بزرگان پدیدآورنده آن.

همه تصاویر رنگى درخشان و پاکیزه و بى‏غش است و تا جایى که بتوان دید کمترین کوتاهى و کم‏وکاستى به چشم نمى‏آید و چنین مى‏نماید که هرسه مرحله عکاسى و لیتوگرافى و چاپ به کمال بوده است. چیزى که هست، آقاى دکتر بختیار در پیشگفتار خود، آنجا که از ویژگیهاى زرنشان حاشیه رقعه‏ها سخن مى‏رود، بر الوان‏بودن زرنگارى حاشیه‏ها تأکید مى‏ورزد: «... آبخور بته‏ها و

حاشیه:

1) میرعلى هروى از نخستین خوشنویسانى است که در آداب و شیوه‏هاى خوشنویسى همت تألیف داشته و در این باب رساله‏اى به نام «مداد الخطوط» نگاشته است.

2) آقاى دکتر مظفر بختیار شرحى مبسوط و خواندنى درباره کتابخانه عظیم میرزامهدى‏خان و سرگذشت کتابهاى آن نگاشته‏اند ولى نمى‏گویند که این مرقع چگونه و از کجا به کتابخانه مرکزى دانشگاه راه یافته است.

لبه برگها به رنگى متفاوت، بازر سبزارنگ و زنگارین، پرداخت گردیده است. با این رنگ‏بندى که نمودارى از توان و قدرت استادان قدیم در رنگ‏شناسى است، رنگ سراسر زرین گستره کار، که بسا در کاربرد نابرجا شوخ و سبکسار نماید، با پرده رنگهاى گوناگون از یکنواختى و چشم‏فرسایى به درآمده، جلوه‏اى شکوهمند و فاخر یافته است». دریغا که در هیچیک از لوحه‏هاى بیست‏گانه این گوناگونى زرین و سبز زنگارین به چشم نمى‏آید، حتى به مدد ذره‏بین!

یکنواختى زرنشان حاشیه‏ها، با عنایت به بى‏عیب‏ونقص بودن و تابناکى اعجاب‏انگیز متن رقعه‏ها، معماگونه‏اى است نقیض‏نما، زیرا چنانکه گذشت مراحل کار عکسبردارى و گراورسازى و چاپ همه بى‏نقص مى‏نماید. اگر یکى از رقعه‏ها را مصحح ارجمند جاى دیگر به چاپ نرسانده بود، به هیچ‏رو در امکان نمى‏آمد که سبب این تکرنگى ناخواسته حاشیه‏ها شناخته شود و معما گشوده گردد. رقعه‏اى که در مقاله «خوشنویسى» در کتاب شکوه ایران در هنگ‏کنگ به چاپ رسیده(3) هرچند در متن کار لطف و تابندگى چاپ ایران را ندارد، اما زر زنگارین حاشیه را بخوبى نشان مى‏دهد. از آنجا که عکاسى مرقع نى‏نامه براى هردو کتاب توسط یک نفر (على شقاقى) و همزمان انجام پذیرفته، یقین باید کرد که اشکال یا از تفکیک رنگ غیردقیق زرنشان حاشیه‏ها است یا سهل‏انگارى در مرحله چاپ که تنها یک رنگ طلا به کار برده‏اند (احتمال اخیر قوى‏تر است).

**مقدمه مرقع**

مقدمه یا «پیش‏نگاه» دکتر بختیار به همان مایه چاپ عکسى درخور و تمام سنگ است. دکتر بختیار، که از خط‏شناسان و خط‏پژوهان طراز اول زمان ما است، در مقدمه‏اى جامع هم درباره ویژگیهاى ادبى و عرفانى نى‏نامه جامى و تاریخچه این مرقع خاص و نسخه‏بدلهاى آن به تفصیل سخن گفته و هم درباره زندگى و آثار استادان سه‏گانه‏اى که این اثر گرانمایه را به یادگار نهاده‏اند و نیز شرحى خواندنى راجع به میرزامهدى‏خان سفارش‏دهنده کار زرنگارى و جلدسازى مرقع برافزوده است.

افسوس که اجر پژوهش بسیار دقیق و سنجیده مقدمه و «پیش‏نگاه» براثر سهل‏انگاریهایى چند اندکى ضایع شده و، لاجرم، چنانکه باید و شاید اجر تمام حاصل نمى‏آید و کمال سعى کمال قدر را به بار نمى‏آورد. چشمگیرترین سهل‏انگارى، حالت یادداشت‏وار کتابنانه و ارجاعات است. کتابنامه مستقل و مجزا تنظیم نگشته و در خلال یادداشتها و بعضا سرسرى و درحدّ «یادداشتهاى نویسنده» آمده که اغلب نیز فاقد مشخصات اصلى هر کتاب است و حتى در برخى موارد صرفا به ذکر عنوان کتاب بسنده شده است (مانند: «تحفه سامى [بى‏تا]، ص 74» و «سفینه سلیمانى، ص 196»). این طرز ارجاع به مآخذ و منابع در مورد کتابهاى بسیار مشهور چاپ ایران زیاده ایجاد اشکال نمى‏کند، ولى کتابهایى که در خارج به طبع رسیده یا در زمانهاى قدیم در ایران چاپ شده یا زیاده تخصصى است با این روش براى اکثر خوانندگان مجهول مى‏ماند. (براى مثال، در یادداشت شماره 39 مأخذ مورد استناد را بدین‏شرح مى‏یابیم: «احوال و آثار خوشنویسان، ج 2، ص 3ـ501». حال آنکه حداقل مشخصات مورد نیاز چنین است: بیانى، مهدى، احوال و آثار خوش‏نویسان، 2 جلد، تهران، 1358ـ1348).

سهل‏انگارى دیگر یادنکردن از قطع و اندازه مرقع نى‏نامه و خصوصا طول و عرض رقعه‏هاى بیست‏گانه است. چنانکه پیداست و از قرینه‏اى چند مى‏توان دریافت چاپ عکسى مرقع به قطع و اندازه اصلى است و بزرگ یا کوچک نشده است. مسلم است که این واقعیت «مشهود و محسوس»، که در کار چاپ عکسى آثار هنرى نهایت اهمیت را دارد بخصوص اگر پاى خط و خوشنویسى در میان باشد، مادام که تصریح نشده همچنان دستخوش ابهام و محل تردید خواهد ماند. و این ابهام و تردید براى کتابى براستى فاخر و یگانه مایه دریغ و افسوس است.

نکته دیگر، نبود شماره صفحه است در بخش چاپ عکسى مرقع و نبود عنوان کتاب در روى جلد یا دست کم عطف کتاب. همچنانکه خود آقاى دکتر بختیار مدتى درگیر مرتب‏کردن توالى صفحات پس و پیش شده مرقع بوده‏اند، زمانى که با گذشت زمان برگهایى از این مرقع چاپى جدا شود مشکل بتوان جاى آنها را معلوم کرد. براى پیشگیرى ضایعاتى از این دست، مى‏توان شماره هر رقعه را در پشت صفحه، که سفید است، چاپ کرد تا هم خدشه‏اى به اصل لوحه‏ها وارد نیاید و هم جاى هر لوحه همواره و در همه حال معین باشد. اجتناب از چاپ عنوان روى جلد البته به ملاحظه نگاهداشت اصالت جلد روغنى و اثر شیواى على‏اشرف بوده است. اما، براى آنکه کتاب در قفسه کتابخانه‏ها گمنام و ناپیدا نماند، مى‏توانستند عنوان را در عطف کتاب بگذارند که خالى از نقش‏ونگار است.

این دو نکته اخیر البته آنقدرها اهمیت ندارد. اما براى کتابى بدین شکوه و آراستگى حیف است و جاى افسوس دارد.

حاشیه:

3) نک. به لوحه 44 در جلد سوم کتاب:

The Splendour of Iran, eds. N. Pourjavady, Sh. Shahbazi and C. Parham, London, 2001.